

www.csr.ir

صنعت نفت عراق

و آینده آن

مرنضی هاشمی

مقدمه

درآمدی، به نارساییها و مشکلات منطقه

افزوده‌اند.

تغییرات در آینده منطقه حتمی بوده و به نظر می‌رسد ماهیتاً و ذاتاً ژئوپلیتیک باشد. کشور ایران نیز خواه و ناخواه درگیر با این تغییرات است و یکی از این تغییرات اساسی، ساختارهای جدید در صنایع نفت خواهد بود. کشور ایران دارای مشخصه‌های ویژه خود می‌باشد و با بسیاری از کشورهای منطقه متفاوت و دارای مزیت‌های نسبی بسیاری است که برای این کشور هم می‌توانند فرصت محسوب شوند و هم تهدید.

خاورمیانه همواره برای مردمانش ناامن و برای جهانیان مشکل‌زا بوده است، زیرا طی قرن گذشته از لحاظ سیاسی اکثراً گرفتار نظامها و رژیمهای دیکتاتوری بوده و از سایر مناطق در حال توسعه آمریکای لاتین، آسیا و حتی آفریقا عقب مانده است همچنین از لحاظ اقتصادی، اغلب کشورهای منطقه، بر نفت تکیه کرده‌اند که از عوامل اصلی اقتصاد بیمار و تنشهای اجتماعی آنها می‌باشد. علاوه بر اینها، مواردی از جمله تصاحب زمینها، برخوردهای قومی و مذهبی، برنامه‌های تسلیحاتی، شکافهای شدید

حال ایرانیان باید بتوانند بر اساس مزیت‌های نسبی و بر پایه خرد و حکمت تاریخی خود، با همکاری اروپا، آسیا و کشورهای مسلمان، در طرح‌های منطقه‌ای مشارکتی فعال و در ساختن آینده منطقه سهمی داشته باشند و این ممکن نخواهد بود مگر با آماده‌سازی و اهتمام به رفع مشکلات و نارسایی‌های داخلی جهت مواجهه با چالش‌های بزرگ پیش‌رو، زیرا هر چه چالش‌ها بزرگ‌تر و متنوع‌تر باشد، نقش مادر آینده وسیع و عمیق‌تر خواهد بود.

۲/۶۹ میلیون بشکه در روز بوده و در سال ۲۰۰۱ روزانه به حدود ۲/۴۵ میلیون بشکه افزایش یافته و در سال ۲۰۰۲ به طور متوسط به ۲/۰۲ میلیون بشکه در روز کاهش داشته است؛ بالاترین آن در فوریه ۲۰۰۲ با ۲/۵ میلیون بشکه در روز و کمترین میزان در آوریل همان سال با ۱/۲ میلیون بشکه در روز بوده است. کشور عراق همواره امیدوار بود که ظرفیت تولید را به ۳/۵ میلیون بشکه در روز برساند، ولی هیچگاه، به دلیل مشکلات تکنیکی و فنی، قادر به انجام این کار نشد، مگر در مقطعی بسیار کوتاه طی ۲۰ سال گذشته.

۱- نفت عراق

کشور عراق پس از عربستان با ذخایر نفتی ۱۱۲ میلیارد بشکه‌ای خود، دومین کشوردارنده منابع و ذخایر غنی نفتی است و احتمال ۱۰۰ میلیارد بشکه دیگر نیز وجود دارد. هزینه‌های تولید نفت عراق در مقایسه با سایر کشورها و مناطق بسیار پایین است. در کشور عراق هنوز ۱۵ سازند از ۷۳ سازند موجود بهره‌برداری می‌شود و حدود ۲۰۰۰ حلقه چاه طبق گزارش‌های بین‌المللی در عراق حفر شده است؛ برای نمونه در تگزاس تنها یک میلیون حلقه چاه حفر شده است.

نفت عراق از کیفیت بالایی برخوردار است، تولید نفت در این کشور در سال ۲۰۰۰، ۴۴۹ هزار بشکه نفت از عراق وارد کرد.

در گزارش‌های منتشره در ژوئن سال ۲۰۰۱ ادعا شده بود که عراق در جولای سال ۱۹۹۰ توانسته است که حدود ۳/۵ میلیون بشکه تولید نفت داشته باشد که شامل نفت قاچاق نیز می‌شود، ولی این کشور، در واقع به دلایل کاملاً فنی نمی‌توانست بیش از ۲/۵ - ۲/۳ میلیون بشکه در روز نفت استخراج نماید. حکومت عراق با روش تزریق آب به چاه‌ها، سعی در استخراج نفت بیشتری داشت که این روش باعث تخریب بسیاری از چاه‌ها شده است.

در یازده ماه اول سال ۲۰۰۲، آمریکا به طور متوسط روزانه ۴۴۹ هزار بشکه نفت از عراق وارد کرد.

تصرف زرستان

و پاسخ به سه پرسش کلیدی

رضانصری

برای بسیاری از کارشناسان سیاسی، جنگ عراق بیانگر یک واقعیت است: عطش روزافزون آمریکا برای نفت. دلایل ابراز شده توسط دستگاه حکومتی جرج بوش برای توجیه حمله نظامی، بر مبنای اینکه صدام حسین مجهز به سلاح کشتار جمعی می باشد، نیز تنها بهانه ای است برای دستیابی به منابع عظیم نفت عراق. اما آنچه روز به روز آشکارتر می شود آغاز یک جنگ جدید بر سر کنترل این منابع است. در این رهگذر، پاسخ به سه پرسش کلیدی از اهمیت خاصی برخوردار است:

○ چه کسانی مدعی نفت عراق هستند؟

● گزارشهای رسیده از عراق حاکی از آن است که در بغداد تنها یک ساختمان دولتی از گزند جنگ در امان مانده و آن هم بنای وزارتخانه نفت است که با تدابیر امنیتی فوق العاده ای توسط نیروهای ائتلاف محافظت می شود. این امر را می توان به درستی نماد انگیزه های واقعی جنگ تلقی نمود.

پیر ترزیان، مدیر مسئول نشریه پترواستراتژیک

فرانسه، می گوید: «نیروهای ارتش آمریکا و بریتانیا تمام تلاش خود را جهت حفاظت از وزارت نفت به کار بسته اند، و این در حالی است که هیچ گونه اقدامی برای حفظ و نگهداری از سایر ادارات دولتی، از جمله وزارت بهداشت، صورت نگرفته است... از این رو اولویتها به خوبی مشخص می شوند». وی نیز معتقد است که آمریکا و انگلیس نمی توانند به تنهایی مدعی

←

۲- نفت و جنگ در عراق

طی دو فرمان اجرایی در دوم و نهم آگوست سال ۱۹۹۰، عراق تحریم شد و تمامی برنامه های واردات و صادرات آن کشور تحت برنامه سازمان ملل به نام «نفت در مقابل غذا» قرار گرفت، ولی با این وجود حکومت عراق در سالهای ۲۰۰۱-۱۹۹۷، حدود ۶/۶ میلیارد دلار از قاچاق نفت به دست آورده است. ادامه روند تخریب چاههای نفت در عراق موجب نگرانی کشورهای جهانی شد و در مارس سال ۲۰۰۰، سازمان ملل به عراق اجازه داد هر شش ماه حدود ۶۰۰ میلیون دلار جهت هزینه قطعات یدکی و بازسازی تأسیسات چاههای نفت خود، مصرف نماید.

در دسامبر سال ۲۰۰۲، گزارشی درخصوص بخش نفت عراق و وضعیت آن در هشت بند از سوی منابع بین المللی منتشر شد:

۱- زیربنای بخش نفت عراق در وضعیت بسیار نامناسبی است؛

۲- امکان یکصد هزار بشکه کاهش سالیانه در تولید نفت عراق به دلایل تکنیکی و تخریب چاهها وجود دارد؛

۳- هزینه بازسازی پایانه ها و تعمیرات تأسیسات حدود ۸ میلیارد دلار برآورد شده است؛

۴- عراق جهت به روز سازی تأسیسات نفتی خود نیازمند سرمایه گذاریهای خارجی است؛



- ۵- مشکلات قانونی در قراردادهای نفتی می تواند موجب تأخیر در توسعه مخازن شود؛
- ۶- هرگونه توقف طولانی در برداشت از چاههای فعال، موجب آسیبهای جدی و شدید مخازن مربوطه خواهد شد؛
- ۷- تولید نفت راحت و ارزان چاههای میدین، می تواند در دوران عملیات نظامی و یا شورشهای داخلی آسیب ببیند؛
- ۸- شکوفایی صنایع نفت عراق به زودی امکان پذیر نبوده و تحقق نخواهد یافت.
- گزارشهای دیگری از جمله گزارش MEES (Middle East Economic Survey)، مسائل و مشکلات عمده حوزه نفت در عراق را، ناشی از موارد زیر می داند:
- کاهش کیفیت به دلیل تزریق آب؛
 - مدیریت ضعیف طی سالهای متمادی؛
 - خوردگی شدید در تأسیسات نفتی؛
 - کمبود قطعات یدکی و مصرف قطعات نامناسب؛
 - کمبود تجهیزات و مواد مصرفی؛
 - تخریب مخازن با تزریق آب برای پمپاژ راحت تر نفت.
- در این گزارش ادعا شده است که عراق می تواند با صرف هزینه ای بالغ بر ۴-۳/۵ میلیارد دلار طی سه سال، روزانه به تولید حدود ۴/۲ میلیون بشکه نفت دست یابد و طی ۷ سال به ۶-۴/۵ میلیون بشکه در روز.
- دراکتبر ۲۰۰۲، عراق با چین، فرانسه، روسیه و آلمان میلیاردها دلار قرارداد نفتی امضاء کرد، و این در حالی است که خطوط انتقال نفت، بنادر و ایستگاههای پمپاژ نفت در عراق طی دو جنگ صدمات زیادی دیده است و همین طور خطوط استراتژیک نفتی عراق که شامل دو خط موازی بوده و توانمندی بسیاری در انتقال نفت از جنوب به شمال و بالعکس را دارا می باشد. در خلیج فارس، عراق سه ترمینال دارد که قادرند تانکرهای بسیار بزرگ را نیز پاسخگو باشند که در دو جنگ خلیج فارس آسیبهای فراوانی دیدند.
- کشور عراق به رغم دارا بودن ذخایر و منابع عظیم نفتی، امروزه وارد کننده بنزین است و برق دائماً قطع و وصل می شود و انرژی جهت مصرف خانگی قطع شده است. در حال حاضر عراق فقط ۵٪ از ۲/۵ میلیون بشکه نفت را تولید می کند و پالایشگاهها با ۳۰٪ ظرفیت مشغول به کار هستند.
- با وجود تمامی نارساییها در بخش نفت، هنوز بهترین مزیت در تولید نفت از آن عراق است.
- هزینه های تولید نفت در مناطق مختلف به

کنترل نفت عراق باشند. در حقیقت، تازمانی که برنامه «نفت برای غذا» در سازمان ملل برقرار باشد، طرحهای آمریکایی نیز عملی نخواهند بود. البته، فشارهای پی در پی واشنگتن بر سازمان ملل با هدف لغو قطعنامه «نفت برای غذا» می تواند تعادل کنونی را مختل سازد. آمریکا، انگلستان و حتی استرالیا تلویحاً از طرح ایجاد یک مکانیزم استخراج و فروش «آزاد» نفت (بخوانید تحت کنترل خودشان) استقبال نموده اند. به عبارتی، خروج از زیر چتر سازمان ملل، مالکیت نفت عراق را به یک دولت خارجی واگذار می سازد. هر چند دولت انتقالی باشد. ژان فرانسوا جیانسنینی، کارشناس و محقق شرکت نفت فرانسه، بر این باور است که «طلبکاران خارجی برای دریافت مطالبات خود از هیچ گونه اقدام قضایی علیه عراق، و طبعاً دولت موقت آن، دریغ نخواهند کرد. کشور عراق بیش از ۶۰ میلیارد دلار بدهی خارجی دارد و تا به امروز هیچ اقدامی جهت باز پس گرفتن حتی یک دلار آن صورت نگرفته است. اما به محض آنکه استخراج و فروش نفت توسط یک شرکت خارجی از سر گیرد، شرکتهای طلبکار دیگر به سراغ او خواهند شتافت.» کدام مصرف کننده ای منافع خود را با خرید نفت از عراق به خطر خواهد انداخت در حالی که ممکن است هر لحظه محموله اش با حکم یک قاضی بلژیکی؛ آلمانی یا فرانسوی؛ در یکی از بنادر تجاری مصادره شود؟ تنها یک راه حل باقی است و آن استقرار یک دولت عراقی و تسلط آن به امور کشور می باشد. در این صورت مشروعیت بین المللی، با مهر تأیید سازمان ملل؛ امری است الزامی.

○ آیا اوپک در معرض متلاشی شدن است؟ آیا ایالات متحده آمریکا در صدد تضعیف اوپک می باشد؟

←

دلیل وضعیت مخازن و میزان برداشت متغیر است، چنانچه متوسط هزینه تولید برای هر بشکه نفت در آمریکا حدود ۱۰ دلار، در دریای شمال ۵ دلار، عربستان ۲/۵ دلار و در عراق کمتر از یک دلار می باشد.

۳- طرح نقشه راه

در نهایت آمریکا و متحدانش موفق شدند که در شورای امنیت، با تصویب قطعنامه جدیدی، کلیه محدودیتهای اعمال شده بر عراق را لغو نمایند و از سویی طرحی به نام «نقشه راه» ارائه کرده اند که انجام آن طی سه مرحله، برنامه ریزی شده است، در این طرح و در مرحله سوم که در سالهای ۲۰۰۴ - ۲۰۰۵ تحقق می یابد، پیش بینی شده است که دولت مستقل فلسطینی ایجاد که مرزهای آن توسط یک کنفرانس بین المللی تعیین خواهد شد و ضمناً پیش بینی شده که دو حکومت مستقل فلسطینی و اسرائیلی در کنار یکدیگر به حیات خود ادامه دهند. در خصوص این قطعنامه فرانسه، آلمان و روسیه ظاهراً آماده هر گونه همکاری می باشند. می توان چنین گفت که نفت وثبات جریان آن موضوعی جهانی است و مسئله «فلسطین - اسرائیل» بر آن مؤثر می باشد.

۴- بازسازی در عراق

برخلاف تصمیم شورای امنیت در مورد لغو

محدودیتها به اتفاق آراء، در کشورهای اروپایی، بزرگ‌ترین کشور مصرف‌کننده نفت در جهان، آمریکایی و ژاپن، در خصوص بازسازی و می‌باشد، جایگاهی در کشورهای تولیدکننده نو سازی عراق اختلاف نظرات شدیدی وجود دارد. آمریکاییان معتقدند که آمریکا به تنهایی

باید و می‌تواند بازسازی و نو سازی عراق را انجام دهد، لذا هر نوع قرارداد منعقد بین عراق و کشورهای دیگر مورد تجدیدنظر قرار گرفت و اولویت به شرکتهای آمریکایی داده شد و اولین قرارداد میان حکومت غیر نظامی

آمریکایی و شرکت Bechtel به عنوان یک شرکت مهندسی در زمینه انرژی به مبلغ ۶۸۰ میلیون دلار منعقد گردید. بر اساس برآوردهای کارشناسی، خسارات وارده بالغ بر ۱۰۰ میلیارد دلار است. اولین پروژه اجرایی در بندرام القصر لایروبی این منطقه خواهد بود تا آماده صدور نفت خام گردد.

۵- اوپک و عراق

دعوت رئیس سازمان اوپک از نماینده فعلی دولت عراق جهت شرکت در اجلاس آینده، نگرانی بسیاری برای اعضای فعلی به وجود آورده است، زیرا این سازمان با شرکت آمریکا نمی‌تواند وظایف سابق خود را همچنان ادامه دهد؛ هدف اصلی از تشکیل اوپک کنترل تولید و حفظ قیمتها بوده است و از آنجایی که آمریکا

یکی از راه‌حلهای زیر را برگزیند:
۱- مخالفت با عضویت نماینده جدید عراق به عنوان عضو جدید؛
۲- انحلال سازمان اوپک؛
۳- تغییر سیاستهای فعلی اوپک و آزاد ساختن تولید و قیمت.

در مورد بند ۱، بر مبنای اساسنامه سازمان، پذیرش عضو جدید بایستی با آرای کلیه اعضای مؤسس صورت گیرد، در این حالت ایران می‌تواند از عضویت جدید عراق در سازمان جلوگیری نماید.

آمریکا در چهل سال عمر سازمان همواره سعی کرده است که از تصمیمات و مصوبات سازمان جلوگیری نماید. یک تصویر از آینده این است که با حضور آمریکا در اوپک قیمت نفت کاهش خواهد یافت و مانند کالاهای معمولی، قیمت، معادل با هزینه تولید و سود مناسب تعیین می‌شود. بدین ترتیب قیمت ذاتی نفت خام از بین خواهد رفت و به عنوان یک کالای بازرگانی وارد بازار شده و مطابق با قوانین عرضه و تقاضا قیمت آن تعیین و به فروش می‌رود.

● سازمان کشورهای صادرکننده نفت بر آن است که با کاهش میزان تولید، بهای نفت را در سطح بشکه‌ای ۲۵ دلار نگاه دارد، اما حتی با وجود چنین تدابیری، بسیاری از کارشناسان معتقدند که عراق به زودی از این سازمان جدا خواهد شد. ایالات متحده آمریکا در نظر دارد که به این ترتیب و با گشودن شیرهای نفت، نه تنها مخارج لازم برای بازسازی و اداره عراق را تأمین نماید، بلکه باعث بی ثباتی عربستان سعودی نیز گردد. اما برخی متخصصین، مانند پاسکال لوروت، مدیر مؤسسه چویس اوپل و مشاور ارشد اقتصادی شرکت توتال فینالنف، بر این باورند که «فروپاشی سازمان اوپک، به هیچ عنوان نمی‌تواند به سود آمریکا باشد. اوپک یکی از عوامل تثبیت کننده قیمت نفت در سطح جهان است و نبود آن نه تنها آسیبهای اجتماعی و اقتصادی به کشورهایی چون عربستان وارد می‌سازد، بلکه کشورهایی چون مکزیک، ونزوئلا و سایر کشورهای صادرکننده نفت را نیز دچار بحران خواهد ساخت».

○ مخاطب شرکتهای خارجی کیست؟

● قبل از دعوت به هر گونه مناقصه بین‌المللی برای راه‌اندازی و افزایش ظرفیتهای تولیدی میدانهای نفتی عراق، نیروهای اشغالگر ناچار به نشست و نهایتاً توافق با صنعت داخلی نفت کشور، که متشکل از نمایندگان بیش از ۶۰ هزار کارمند عراقی در شرکت نفت عراق می‌باشد، خواهند بود. پاسکال لوروت معتقد است که «دانش عراقیها در زمینه استخراج نفت، بدون شک از بهترینها در دنیاست. برای تمام شرکتهای خارجی، عراق زرستانی است از نفت که به سختی می‌توان در برابرش بی تفاوت ماند. تنها مشکل فعلی، نبود مخاطب رسمی است».

آمریکا یک بار دیگر در سال ۱۹۷۳ با پیشنهاد کیسنجر، وزیر امور خارجه وقت، به مبارزه با سازمان اوپک برخاست و درمقابل این سازمان، «سازمان انرژی کشورهای مصرف کننده» را تشکیل داد تا علیه اوپک عمل نماید. گرچه این سازمان موفقیتی به دست نیاورد، اما توانست اوپک را از رسیدن به قیمتهای حقیقی نفت دور کند.

تصویری دیگر، سازش سازمان فعلی با آمریکا به عنوان یک عضو جدید و ادامه فعالیت این سازمان با شرایط جدید است که در این حالت امکان دارد قیمتها به طور متوسط به ۱۵ تا ۲۰ دلار برسد. همین حالت اخیرالذکر می‌باشد.

۶- اقتصاد نفت، عراق و ایران

چنین می‌توان نگرستی که در میان مدت، به دلیل حجم سرمایه‌گذاریهای کلان انجام شده و موردنظر غرب در صنایع نفت و گاز و بازپرداخت آن توسط کشورهای سرمایه‌پذیر از جمله ایران و عراق و بازگشت سرمایه‌ها به بازار سرمایه‌گذاران، به احتمال قریب به یقین، قیمت نفت کاهش نخواهد داشت و حدود ۲۲ دلار باقی خواهد ماند. در این حالت، درآمد نفتی کاهش نداشته و اقتصاد ایران اندکی رونق خواهد داشت. از سویی آمریکا می‌تواند ضمن حضور نظامی خود در منطقه و اعمال

فشارهای سیاسی گوناگون به ایران، از طریق تولید در سالهای اولیه ناممکن است.

کاهش درآمدهای نفتی ایران، علاوه بر فشارهای

سیاسی، فشارهای اقتصادی خود را نیز تشدید

نماید.

۷- روند جاری در عراق و منطقه

در رابطه با ذخایر مخازن و منابع عراق، نظرات

متضادی ارائه شده است، عده‌ای از کارشناسان

ذخایر نفتی بر این عقیده‌اند که قبل از جنگ،

اعداد ارائه شده در خصوص مخازن کشور عراق

صرفاً به منظور کسب سهمیه بیشتر از سازمان

اوپک بوده است، خصوصاً پس از سال ۱۹۸۱ که

متغیرهای جدید از قبیل مساحت، جمعیت،

تعیین سابقه تاریخی و میزان ذخایر و تولید

جهت کسب سهمیه مؤثر از سوی اوپک

معرفی شدند و به همین دلایل ایران، عراق و

عربستان بدون کشف منابع جدید، اقدام به

افزایش میزان ذخایر خود نموده و در جهان

منتشر کردند.

در این راستا شرکتهای نفتی و خصوصاً

آمریکایی از افسانه‌سازیهایی منتشر شده در جهان

در خصوص میزان ذخایر، بهره‌مند شدند و در

چارچوب کنسرسیومهای تشکیل شده و در

قالب «مشارکت در تولید» سهام خود را بدون

سرمایه‌گذاری، افزایش دادند و سود سرشاری

عاید خود کرده‌اند. هر چند عراق دارای ذخایر

غنی و قابل توجه هیدروکربوری است. ولی

فاصله واقعیت تا افسانه‌سازیهایی بسیار می‌باشد.

حمله آمریکا و متحدانش به عراق باعث از

بین رفتن صدام از حکومت شد و از این طریق

موقعیتهایی برای ایران پدیدار شده که می‌تواند

مورد توجه قرار گیرد. برخی از آنها عبارت‌اند

از:

- حضور گسترده اروپا در خاورمیانه و به ویژه

ایران؛

- اهمیت بیشتر ایران در بازار جهانی انرژی و به

ویژه نفت، زیرا ایران متمایل به گاز شده است؛

- افزایش قدرت مانور سیاسی ایران.

طبق برآوردهای انجام شده، هزینه جنگ

روزانه دو میلیارد دلار برآورد شده که جمعاً

حدود ۸۰ - ۷۰ میلیارد دلار بوده است و محل

تأمین آن از راه فروش نفت عراق خواهد بود. با

فرض نفت بشکه‌ای ۲۵ دلار و روزانه تولیدی

معادل ۳ میلیون بشکه، حدود سه سال برای

هزینه‌های انجام شده بایستی نفت فروخته

شود، این در حالی است که عراق به بسیاری از

کشورها از جمله ایران بدهکار بوده و همچنین

نیازمند سرمایه‌های کلان دیگر برای بازسازی

خود است، و از سویی امکان تحقق این سقف

براساس آمار اوپک میزان ذخایر نفتی با توجه به روند اکتشاف طی شده تا سال ۱۹۸۵ به میزان ۶۵ میلیارد بشکه بوده است. این ارقام ناگهان در سال ۱۹۹۵ به ۱۱۲ میلیارد بشکه افزایش داده شد که تا ۲۲۰ میلیارد بشکه هم پیش بینی شده است که می تواند بخشهای مشترک با کشورهای همسایه را نیز شامل شود. در کوتاه مدت، افسانه سازیهای یاد شده مؤثر است زیرا، جو روانی ناشی از حمله آمریکا به عراق باعث افزایش قیمت جهانی نفت شده و از سوئی آثار حمله به دلیل تصویر ذهنی عمومی جهانی دال بر این است که با سقوط نظام حاکم بر عراق، امکان افزایش فوری تولید نفت وجود خواهد داشت.

انگلستان در منطقه روبه بهبود است و ترکیه در حال حاضر بازنده مقطعی و اصلی جنگ می باشد زیرا علاوه بر کاهش شدید درآمد توریستی، درآمدهای حاصل از ترانزیت نفت عراق را نیز از دست داده است. نهایتاً و بنابر عقیده آمریکا، صلح در منطقه با انتقال نقش نظامی آمریکا به اسرائیل و پذیرش صلح با اسرائیل از سوی اعراب، همراه خواهد بود؛ یعنی وجود یک کشور فلسطینی با نقشی کمتر از آنچه عرفات خواهان آن بود، و همزیستی مسالمت آمیز کشورهای عربی با اسرائیل که بسیاری از کشورهای منطقه با آن موافقت داشته و دارند.

در قرن ۲۱، سیاستمداری تبدیل به اقتصادمداری بر محور ملت گرایی می باشد و پنج قدرت آینده جهان یعنی آمریکا، روسیه، اروپا، چین و ژاپن توافق کرده اند که مرزهای سیاسی تغییر نکند، زیرا منافع آنها در حال حاضر بر این امر مبتنی است. لذا اهداف منطقه ای در اولویت قرار گرفته است. در این راستا اهداف حاصل شده استراتژیک و کوتاه مدت

تغییر محوریت توجه از نفت عربستان به نفت عراق، از افسانه سازیهای دیگری است که حاصل آن تحت فشار قرارداد دادن عربستان و حصول سودهای فراوان دیگری می باشد و این در حالی است که طی سالهای اخیر ایران و عربستان پس از تنش زدایی، روابط خود را توسعه و استحکام داده اند.

از نظر میزان و ترکیب جمعیت، کشور قطر محل مناسبی برای آمریکا است لذا استقرار در قطر به جای عربستان و سایر مناطق، برای آمریکا حائز اهمیت خواهد بود. از سوئی موقعیت

آمریکا در منطقه عبارت اند از:

- حضور فعال و مستقیم نظامی؛
- کنترل منابع نفتی و جریان آن؛
- فروش تسلیحات بیشتر به کشورهای منطقه؛

- بسترسازی مناسب جهت ساخت «اسرائیل، اقتصاد بزرگ»؛
- مصرف پس مانده‌های هسته‌ای تولید شده در غرب؛
- کاهش آهنگ رشد رقباى جهانی آمریکا و به ویژه اروپا؛

ب: رشد موقعیت جهانی شیعیان جهان همگام با توسعه همکاری‌ها با جهان عرب
حکومت احتمالی عراق به همراه عربستان و ایران می‌توانند با تأکید بر منافع ملی خود، ابتکار عمل را در منطقه در خصوص نفت در دست داشته باشند. چه از این طریق و با همکاریهای اقتصادی، سه کشور، منشاء تحولات مثبت آتی در منطقه و جهان خواهند بود، در غیر این صورت شیعیان عراق یعنی بیش از ۶۰ درصد جمعیت عراق (مسلمانان ۹۷٪ جمعیت عراق را تشکیل می‌دهند) در مقابل دوراهی خطرناکی قرار خواهند داشت؛ یعنی بر سر دوراهی وفاداری به عربیت یا وفاداری به پیوندهای مذهبی و فرهنگی با ایرانیان.

۸- چند راهکار

نظام روابط بین‌الملل یک بار دیگر دگرگون خواهد شد، ولی آنچه مسلم است پیامدهای آن در خاورمیانه آشکارتر از سایر مناطق جهانی خواهد بود و فرصتهایی را برای رویارویی با تنگناهای حاصل شده (در جهت رفع آنها) فراهم خواهد آورد و ایران نیز با نقش ویژه و خاص خود می‌تواند نقشی شایسته در بازسازی نظم سیاسی، اقتصادی و امنیتی منطقه داشته باشد.

ج: همکاریهای اقتصادی برنامه‌ریزی شده
پیوندهای اقتصادی براساس عوامل مشترک و مثبت اقتصادی دو کشور عراق و ایران (خواه عوامل اقتصادی سطحی مانند نفت و خرما و چه عوامل اقتصادی عمقی و همکاریهای بلندمدت اقتصادی و ایجاد مناطق مشترک ویژه) و همچنین حضور گسترده ایران در بازسازی عراق، می‌تواند اثرات مثبتی بر روند اقتصادی ایران و نقش آن در منطقه داشته باشند.

الف: بهره‌مندی از جنبه‌های مثبت موقعیت تازه
حضور گسترده کشورهای اروپایی و شرکتهای معتبر جهانی نفتی در صنعت رو به توسعه گاز در کشور ایران، می‌تواند ضمن حفظ منافع ملی آنی و آتی ما، حضور جهانی کشور ایران را نوید دهد.